

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هشتم (۱۳۹۷)، شماره نوزدهم

نقد روش‌شناختی تعاریف تفسیر موضوعی

شهربانو خویشوند^۱

پرویز آزادی^۲

چکیده

تفسیر موضوعی یکی از روش‌های تفسیری است که طی قرن اخیر به صورت جدی در جهان اسلام، رواج یافته است. این روش تفسیری به تبع سوالات فراوان در دوران معاصر پدید آمد. با وجود عمر نسبتاً کوتاه، این روش تفسیری رشد قابل توجهی در میان مسلمانان و دانشمندان غربی داشته است. مساله اساسی تفسیر موضوعی، روش انجام آن است. فقدان روش مشخص و دارای گام‌های دقیق و واضح، موجب تکثر در تعریف تفسیر موضوعی شده است. هنوز تفسیر موضوعی به درستی و مورد اجماع همگان تعریف نشده است و هر مفسری بنا بر سلیقه خود و نیاز بوجود آمده، تفسیر موضوعی را تعریف می‌کند و یا حتی بدون تعریف، اقدام به تفسیر موضوعی می‌کند. در این مقاله، تمامی تعاریف موجود مورد نقد قرار گرفته و در نهایت، تعریفی برگزیده از آن ارائه شده است. آنگاه بر اساس تعریف مختار، مولفه‌های اساسی بایسته در رویکرد علمی تفسیر موضوعی، تبیین شده است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، تفسیر موضوعی، تعریف، روش، سنت.

۱. کارشناس ارشد رشته علوم قرآن حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) // alii.zahra@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول) // azadiparviz@ut.ac.ir

۱- مقدمه

در سده اخیر، رشد معارف بشری و به دنبال آن تحولات چشم‌گیر فرهنگی و اجتماعی، دریچه‌ای از سؤالات جدید را پیش روی مفسران گشوده است. تفسیر ترتیبی توانایی پاسخ‌گویی به این سؤالات را ندارد؛ چراکه مفسر در این نوع تفسیر تنها درصدد تفسیر آیات به ترتیب مصحف است و نه پاسخ‌گویی به سؤالات عرضه‌شده به قرآن؛ چراکه لازمه پاسخ دادن به سؤال خاص و یا پرداختن به موضوع خاص، تمرکز بر آیات مرتبط با آن سؤال یا موضوع است که باعث می‌شود دسته زیادی از آیات، کنار گذاشته شود. البته، لازم به ذکر است در تفاسیر ترتیبی نیز به سؤالاتی پاسخ داده می‌شود و یا به فراخور حال، موضوعاتی به صورت مبسوط مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی بر اساس تعاریفی که از تفسیر موضوعی ارائه خواهد شد نمی‌توان نام تفسیر موضوعی بر تفاسیر ترتیبی نهاد و این تفاسیر، کارکرد تفاسیر موضوعی را ندارند.

با توجه به کارکرد تفسیر موضوعی، این روش تفسیری در جهت یافتن پاسخ سؤالات، مورد توجه قرار گرفت. با توجه به اینکه تنها راه پویایی و بالندگی دین در مقابل جریان‌های اعتقادی و هجمه‌های فکری درونی و بیرونی، احیای تفکر دینی بر پایه معارف ناب قرآنی و اهل بیت (علیهم‌السلام) است، به نظر می‌رسد تأمین این هدف از رهگذر تفسیر موضوعی امکان‌پذیر است.

جهت شناخت تفسیر موضوعی باید تعریف دقیقی از آن داشت تا دچار آسیب‌هایی ناشی از عدم شفافیت و دقت نشویم. با توجه به اینکه موضوع این نوشتار، تفسیر موضوعی است لازم است دو واژه تشکیل‌دهنده آن به‌خوبی تبیین شوند؛ ولی از آنجاکه واژه تفسیر به میزان قابل توجهی شرح و بسط داده شده است و موضوع اصلی این مقاله نیز خود تفسیر نیست، بلکه مضاف‌الیه آن است، در اینجا صرفاً به توضیح واژه «موضوعی» پرداخته می‌شود.

«موضوعی» اسم منسوب به «موضوع» است و «موضوع» از ریشه «وضع» به معنای قرار دادن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۸ / طریحی، ج ۴، ص ۴۰۵)؛ همچنین، به ضدّ الرفع و به معنای القاء و ثابت نمودن (ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ص ۸، ج ۳۹۶) و جای گذاشتن چیزی نیز معنا شده است (مصطفوی، ج ۱۳، ص ۱۴۳). واژه موضوع به این معنا در قرآن کریم نیامده است (غاشیه: ۱۸ / ۱۴) و صرفاً در کاربرد «مواضع» (جمع موضع) سه بار به کار رفته (نساء: ۴ / ۴۶؛ مائده: ۵ / ۱۳، ۴۱) که باز اشاره به یک جایگاه دارد نه موضوع.

بنا به نظر شهید صدر، یک مفسر، تفسیر را از موضوع و واقعیت خارجی شروع می‌کند و با جمع‌آوری مجموعه آیات قرآنی مرتبط با موضوع مورد نظر، اقدام به تفسیر می‌کند (صدر، ۱۴۲۱،

صص ۳۶-۳۵). بدین ترتیب، «موضوع»، آن واقعیت خارجی است که مفسر درصدد یافتن نظر قرآن کریم درباره آن است. مصطفی مسلم موضوع را قضیه یا امری متعلق به جنبه‌ای از جوانب زندگی درباره‌ی عقیده یا رفتار اجتماعی یا پدیده‌های هستی که آیات قرآن به آن پرداخته است، می‌داند (مسلم، ۱۴۱۰، ص ۱۶). در مجموع می‌توان گفت: لفظ موضوع در اصطلاح تفسیر موضوعی، بستگی به دامنه موضوعی دارد که برای آن مشخص می‌کنیم. در ادامه، توضیحات بیشتری درباره دامنه تفسیر موضوعی خواهد آمد.

۲- دسته‌بندی تعاریف

مفسران و محققان، تعاریف مختلفی از تفسیر موضوعی ارائه داده‌اند. در این مقاله، برخی از این تعاریف را آورده و با توجه به مضامینشان در هفت دسته قرار داده‌ایم، آن‌ها را نقد و بررسی کرده و در نهایت، تعریف موردنظر خود را از تفسیر موضوعی ارائه می‌کنیم.

۲-۱- دسته اول: تعاریف متمرکز بر هدف تفسیر موضوعی

اغلب مفسران، هدف از تفسیر موضوعی را «به دست آوردن نظر نهایی و دیدگاه جامع قرآن کریم در موضوعی خاص» می‌دانند و به این نکته در تعاریف خود از تفسیر موضوعی اشاره کرده‌اند.

شهید صدر در کتاب «مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن»، هدف تفسیر موضوعی را مشخص کردن دیدگاه نظری قرآن کریم می‌داند و می‌گوید: «روش تفسیر موضوعی به تفسیر آیه به آیه قرآن نمی‌پردازد، بلکه سعی در جستجو و تبیین موضوعی از موضوعات اعتقادی، اجتماعی و یا وجودی زندگی دارد؛ مانند عقیده توحید در قرآن یا بحث نبوت در قرآن یا مکتب اقتصادی قرآن یا سنن تاریخی قرآن یا آسمان‌ها و زمین در قرآن و امثال آن. هدف تفسیر توحیدی (موضوعی) مشخص کردن دیدگاه نظری قرآن کریم و نهایتاً، نظر اسلام درباره موضوعی از موضوعات حیات و وجود است» (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۳).

نکته‌ای که در تعریف شهید صدر وجود دارد این است که قید «نهایتاً نظر اسلام» دقیق نیست؛ چراکه نظر اسلام تنها با نظر قرآن به دست نمی‌آید، بلکه باید نظر پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) در سنت منقول نیز جمع شود تا بتوان ادعا نمود که دیدگاه اسلام به دست آمده است. با توجه به آنکه کتاب فوق‌الذکر پیاده شده سخنرانی شهید صدر است و احتمال خطا در پیاده‌سازی وجود دارد، به احتمال قوی منظور ایشان «نظر قرآن» است؛ چراکه ایشان به‌عنوان یک فقیه، اصولی و

متکلم هیچ‌گاه نمی‌پذیرد در استخراج نظر اسلام، صرفاً به قرآن اکتفا شود و سنت پیامبر اکرم و ائمه (علیهم‌السلام) نادیده گرفته شود.

مکارم شیرازی تفسیر موضوعی را به دست آوردن نظر قرآن درباره یک موضوع و ابعاد آن می‌داند: «آیات مختلفی که درباره یک موضوع در سرتاسر قرآن مجید در حوادث و فرصت‌های مختلف آمده است، جمع‌آوری و جمع‌بندی گردد و از مجموع آن دیدگاه قرآن کریم درباره آن موضوع و ابعاد آن روشن شود» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱).

یکی از نقاط قوت این تعریف، قید «در سرتاسر قرآن مجید» است؛ چراکه این قید دلالت دارد بر اینکه باید تمام آیات پیرامون موضوع جمع شود. البته، باید توجه داشت که همواره صرف جمع‌آوری آیات مرتبط با یک موضوع، بیانگر نظر قرآن کریم در آن موضوع نمی‌تواند باشد و توجه به موضوعات هم‌نشین و جانشین، اثر تعیین‌کننده‌ای در یافتن نظر قرآن کریم در آن موضوع دارد.

به گفته برخی پژوهشگران، نظرخواهی از قرآن درباره یافته‌های بشری، بیان دیگری از تفسیر موضوعی است (مسلم، ۱۴۱۰، صص ۱۷-۱۶). یدالله پور در تعریف تفسیر موضوعی چنین می‌آورد: «جمع‌آوری روشمند آیات از سراسر قرآن مجید که از موضوع یا موضوعات زندگی، عقیدتی، اجتماعی و جهانی سخن می‌گویند و هدف واحدی دارند، با دقت در ترتیب آیات بر حسب نزول و توجه به سیاق و نظم حاکم بر آیات، بدون تقطیع آیات، با احاطه کامل به تمام آیات قرآنی و تفسیر ترتیبی و در نهایت، بیان دیدگاه قرآن در آن موضوعات، به‌اندازه طاقت مفسر در درک آن» (یدالله پور، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

در این تعریف به نکات خوبی اشاره شده از جمله: روشمندی گردآوری آیات، جمع‌آوری آیات از سراسر قرآن، اشاره به موضوعاتی که تفسیر موضوعی به آن می‌پردازد و همچنین، توجه دادن به این نکته که باید به سیاق و نظم حاکم بر آیات توجه شود. وی در ادامه، داشتن احاطه کامل بر تمام آیات موضوع و تفسیر ترتیبی را جزء وظایف مفسر موضوعی می‌داند. با بیان این نکته به اشکال وارده از جانب مخالفان تفسیر موضوعی پاسخ داده است که معمولاً در تفسیر موضوعی بخش قابل‌توجهی از آیات از جایگاه خویش بریده شده و به جغرافیایی که در آن قرار گرفته‌اند، توجه نمی‌شود.

وی در ادامه، بیان دیدگاه قرآن را با قید «به‌اندازه طاقت مفسر در درک آن» مقید می‌کند؛ چراکه مفسران عادی توانایی دریافت دیدگاه جامع قرآن را ندارند و تنها مفسران واقعی، اهل بیت (ع) هستند که قرآن ناطق‌اند و می‌توانند دیدگاه جامع قرآن را استنباط نمایند؛ آنان احاطه کامل

بر تمام آن دارند و می‌توانند قرآن را به‌خوبی به نطق در بیاورند. شاید در اینجا اشکال شود که در این صورت هیچ تفسیری نباید انجام شود چراکه عمل مفسران، ظن و گمان است که گاهی موجب جهل می‌شود. در پاسخ می‌توان گفت انسان به‌قدر توان، مکلف به تدبیر در قرآن است و با استفاده از نص قرآن و سنت قطعی معصوم می‌توان به تصحیح اشتباهات احتمالی پرداخت. البته، بر تعریف ایشان این اشکال وارد است که همان‌گونه که به این نکته توجه داشته که مفسر، توانایی بیان تمام دیدگاه قرآن را ندارد، باید توجه می‌کرد که مفسر نمی‌تواند بر تمام آیات احاطه کامل داشته باشد.

هاشمی رفسنجانی نیز در تفسیر راهنما، تفسیر موضوعی را روشی می‌داند برای تبیین یک موضوع با ملاحظه آیات هم‌موضوع و هم‌مضمون و نه هماهنگ با ترتیب و تنظیم موجود در قرآن؛ در این روش، مفسر آیات متعدد درباره یک موضوع را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد و با جمع‌بندی و تحلیل دلایل آن‌ها دیدگاه قرآن را در آن باره تبیین می‌کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۹).

جعفر سبحانی تفسیر موضوعی را تفسیر آیات قرآن بر طبق موضوعات می‌داند. ایشان معتقد است در این روش باید مجموع آیات یک موضوع در یک‌جا گردآوری شود و سپس، با دسته‌بندی آن‌ها، از همه، نظر واحدی اتخاذ شود. وی احاطه کامل بر نظر قرآن را در هر موضوعی، در صورتی امکان‌پذیر می‌داند که مجموع آیات در کنار هم قرار گیرند تا با جمع‌بندی همه آن‌ها، نظر قاطع و جامع‌الاطراف قرآن درباره آن موضوع به دست آید (سبحانی، ۱۳۸۳، صص ۱۸-۱۹). با توجه به تعاریف فوق می‌توان گفت: تفسیر موضوعی سوره‌ای نمی‌تواند مصداق تفسیر موضوعی باشد؛ زیرا هدف نهایی تفسیر موضوعی را در بر ندارد. همچنین «تفسیر بیانی» نیز نمی‌تواند این کارکرد را داشته باشد. تفسیر بیانی نامی است که بنت الشاطی ابداع کرده است و در آن، قرآن از طریق تحلیل ادبی و هنری تفسیر می‌شود. بنت الشاطی با آنکه تفسیر چهارده سوره قرآن را به‌صورت ترتیبی انجام داده است، شیوه خود را تفسیر موضوعی معرفی می‌کند (بنت الشاطی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۲۱-۲۳). غزالی نیز در کتاب «نحو تفسیر موضوعی سور القرآن الکریم» به تفسیر موضوعی تمام سوره‌های قرآن پرداخته است (ر.ک: غزالی، ۲۰۰۰، سراسر کتاب). جهت دستیابی به نظر قرآن باید تمام آیات مربوط به موضوع را جمع نمود، چراکه در غیر این صورت، بخشی از پاسخ قرآن در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود.

باید توجه داشت که در گردآوری آیات، تنها نباید به ظواهر و الفاظ مشابه اکتفا شود، بلکه باید به مفاهیم آیات توجه نمود و آیاتی را انتخاب کرد که مفاهیم آنها با هم مرتبط و معانی آنها دارای وحدت موضوعی یا حکمی باشند. اعمال دقت در گزینش آیات و فرازها از شروط اساسی در پژوهش موضوعی قرآن است. تشخیص میزان ارتباط آیات با موضوع، نیازمند تخصص، معلومات قرآنی و تفسیر کافی و مطالعه عمیق آیات به شیوه «قرآن به قرآن» و تفکر نظام‌مند است. پیچیدگی و دشواری تفسیر موضوعی در این مرحله کاملاً مشخص است؛ هر قدر ذهن پژوهشگر موضوعی قرآن، دقیق‌تر و با آیات گوناگون قرآنی مانوس‌تر باشد و در پرتو نظریه‌ها و الگوهای معرفتی سازمان‌یافته‌تر باشد، در بصیرت و گزینش آیات مرتبط از غیر آن موفق‌تر خواهد بود (فتحی، ۱۳۸۵، صص ۹۸-۹۹).

۲-۲- دسته دوم: تعاریف تأکیدکننده بر توجه به روایات در تفسیر موضوعی

این دسته دربردارنده تعاریفی است که افزون بر جمع‌آوری و بررسی آیات، جمع‌آوری و بررسی روایات مربوط به آن مسأله را نیز جزء مراحل تفسیر موضوعی می‌داند. مثلاً، جوادی آملی در بیان مراحل تفسیر موضوعی بر این باور است که ابتدا آیاتی از قرآن را که حاوی موضوع مدنظر است، باید جمع‌آوری و جمع‌بندی کرد و سپس، به جمع‌آوری و جمع‌بندی روایات در این زمینه پرداخت و در مرحله نهایی، بین دو جمع‌بندی به‌دست‌آمده از آیات و روایات، جمع‌بندی سومی به عمل آید تا بتوان آن را به‌عنوان نظر اسلام، قرآن و عترت ارائه داد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، صص ۴۹-۵۱). احمد جمال العمری شرط کمال تفسیر موضوعی را جمع‌آوری و بررسی روایات مربوط به موضوع می‌داند (عمری، ۱۴۰۶، ص ۴۳). مصطفی مسلم نیز در بیان مراحل تفسیر موضوعی پس از انجام تفسیر اجمالی آیات، کمک گرفتن از احادیث نبوی و همچنین، روایات صحابه را از مراحل بعدی تفسیر می‌داند (مسلم، ۱۴۱۰، ص ۳۶).

در مقابل این دیدگاه، تنها یک دیدگاه عمده وجود دارد:

استفاده از روایات و عقل، در حد شرح و تبیین است و نه بخشی از تفسیر موضوعی: صاحبان این دیدگاه معتقدند در تفسیر موضوعی باید تا آخر، سایه به سایه قرآن حرکت کرد و نباید از قلمرو قرآن خارج شد؛ چراکه هدف، کشف نظریه آن درباره موضوعی خاص است، نه ارائه نظریه حتمی اسلام و مانند آن. این گروه بر این اعتقادند که استفاده از عقل و نقل به‌عنوان شارح و مبین یا قرینه و شاهد برای نص قرآنی در تفسیر موضوعی لازم است، اما نباید مقام آن از حد شارح فراتر رود و به‌عنوان عنصر و منشأ نظریه مطرح شود؛ زیرا ما درصدد کشف نظریه‌های

خاص قرآن در مورد موضوع موردنظر هستیم (سعید، ۱۴۶۰، ص ۶۷ / خالدی، ۱۴۱۸، ص ۷۶ / معرفت، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۵۳۰-۵۲۹ / کریمی، ۱۳۸۹، صص ۱۱۱-۱۱۲).

صاحبان دیدگاه تاکید بر استفاده از روایات تفسیری در تفسیر موضوعی با توجه به هدف تفسیر موضوعی به مطلب صحیحی اشاره دارند. درست است که هدف تفسیر موضوعی، دست-یابی به دیدگاه جامع قرآن درباره موضوع موردنظر است، اما غفلت از روایات یکی از آسیب‌های جدی فهم قرآن کریم است؛ چراکه حجیت قول و فعل و تقریر معصوم (ع)، مبتنی بر توصیه‌های قرآن و پیامبر (ص) است؛ آیاتی مانند: ﴿...أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...﴾ (نحل: ۱۶ / ۴۴)؛ ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ...﴾ (جمعه: ۶۲ / ۲)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹ / ۴) و آیات دیگر و نیز روایات فراوانی که در این باب وارد شده‌اند، از جمله حدیث ارزشمند «ثقلین» که پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنِّي تَارَكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (ترمذی، بی‌تا، ج ۵، ص ۶۶۲ / کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۵). بنابراین اکتفا به قرآن بدون روایت، موجب سقوط است، زیرا اولاً، قرآن کریم بنا بر تصریح خودش، نیاز به مبین دارد و اهل بیت (علیهم‌السلام) مبین کتاب هدایت هستند؛ ثانیاً، حدیث ثقلین، افزون بر اثبات حجیت قرآن و عترت، یک نوع تلازم و انفکاک‌ناپذیری میان آن دو را می‌رساند؛ یعنی هرکدام از آن دو مکمل یکدیگرند. با این وصف چگونه ممکن است که قرآن را مستقل و بی‌نیاز از سنت بدانیم و میان آن‌ها انفکاک و جدایی بیندازیم. پس می‌توان گفت یکی از نقص‌های تفسیر موضوعی بر اساس تعاریف گذشته، این است که از سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) استفاده نمی‌کند در صورتی که قرآن و سنت از یکدیگر جدا نیستند. در بسیاری موارد، بدون تمسک به روایات، مقصود و مراد واقعی آیات برای ما روشن نخواهد شد.

در نتیجه باید گفت که مفسر موضوعی باید یکی از مراحل کار خود را، استخراج روایات در مورد موضوع و استفاده از آن جهت شرح و تبیین آیات قرار بدهد؛ زیرا تفسیر موضوعی بدون استفاده از روایات ناقص خواهد بود. البته، اگر بخواهیم نظرات روایات را نیز جویا شویم و به‌عنوان منبع نظریه‌خواهی در مورد موضوع مدنظر از آن‌ها استفاده کنیم، دیگر نمی‌توان این تفسیر را تفسیر موضوعی قرآن با عنوانی که اکنون رایج است نام نهاد و باید عنوان دیگری برای

آن انتخاب کرد. شاید نام تفسیر موضوعی قرآن و حدیث، تفسیر موضوعی روایی، عنوان بهتری برای تفسیر موضوعی قرآن به علاوه روایات باشد.

۲-۳- دسته سوم: تعاریف مشخص کننده دامنه موضوعات تفسیر موضوعی

غالباً تعاریف ارائه شده، موضوعات را به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. موضوع یا مسأله‌ای که از بیرون قرآن به قرآن عرضه شود: «تفسیر موضوعی، آیات قرآن را بر اساس موضوعات مختلف مربوط به اصول و فروع اسلام، مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۸)؛

۲. موضوع و حکم هر دو مستخرج از قرآن باشد: یکی از محققان در تعریف تفسیر موضوعی آورده است: «دانشی که موضوعات را بر پایه اهداف و مقاصد قرآنی، از خلال یک سوره یا بیشتر، بررسی می‌کند» (سعید، ۱۴۶۰، ص ۲۰).

همان‌طور که در صفحات قبل بیان شد، بررسی یک موضوع تنها در یک سوره یا بیشتر، تفسیر موضوعی نمی‌شود؛ چراکه باید تمامی آیات پیرامون یک موضوع جمع شود. البته برخی همچون شهید صدر و مصطفی مسلم، موضوعات بررسی شده در تفسیر موضوعی را مجموع هر دو دسته موضوعات بالا می‌دانند (صدر، ۱۴۲۱، صص ۳۶-۳۵ / مسلم، ۱۴۱۰، ص ۳۶).
با توجه به این مطلب می‌توان گفت که برای تفسیر موضوعی دو روش وجود دارد که عبارت‌اند از:

روش اول: مسأله‌ای از بیرون مطرح شود و از درون قرآن، آیات مرتبط استخراج شود و سپس، با در نظر گرفتن مجموع آن آیه‌ها موضوع بررسی شود. در حقیقت، این‌گونه تفسیر موضوعی، پای سخن قرآن نشستن و گوش فرادادن به آن است تا قرآن برای ما سخن بگوید و پیام خود را برساند و نقش ما تنها گرفتن پیام‌های قرآن است.
روش دوم: موضوعی از درون قرآن استخراج و درباره همان موضوع، نظر قرآن سؤال شود.

۲-۴- دسته چهارم: تعاریف متمرکز بر روشمند بودن تفسیر موضوعی

روشمند بودن تفسیر موضوعی از دو منظر مورد توجه محققان قرار گرفته است: ۱. روشمندی در گردآوری آیات؛ ۲. روشمندی در فهم پاسخ قرآن.

برخی به این نکته توجه کرده‌اند و در تعاریف خود به آن اشاره کرده‌اند: «کوششی بشری در فهم روشمند پاسخی از قرآن در سایه گردآوری - مبتنی بر تئوری - آیات، به مسائل و موضوعات

زننده علمی و نظری -برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی- که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن باره داشته باشد» (جلیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۳). تعریف فوق، مسأله روشمندی را به‌خوبی مدنظر قرار داده است.

محقق دیگری، تفسیر موضوعی را کشف روشمند نظریه قرآن درباره موضوع خاصی از قرآن یا مقطعی از یک موضوع می‌داند (فتیحی، ۱۳۸۵، ص ۹۷). صاحب کتاب «روشی نو در روش-شناسی تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم»، تفسیر موضوعی را گردآوری روشمند و هدفمند آیات کتاب حکیم درباره موضوعی می‌داند که اگر در همه قرائن پیشین و پسین، پیوسته و گسسته دقت شود، سبب دستیابی به نظریه ویژه یا منظومه فکری قرآن مجید در آن زمینه می‌گردد (حیدری فر، ۱۳۹۲، ص ۱۹۲).

در تمامی تعاریف این دسته بر روشمندی تأکید شده، ولی در هیچ‌کدام توضیح داده نشده است که دقیقاً منظور از روشمندی چیست؟ آیا این روش در جایی تبیین شده و دارای مراحل تعریف شده است؟ یا اینکه فقط صرفاً، در ظاهر لفظ به آن اشاره شده و نزاع سابق که در دسته‌های قبلی در تعریف، مستتر بود هنوز هم وجود دارد؟

۲-۵- دسته پنجم: تعاریف تأکیدکننده بر ترتیب زمانی و جایگاه آیات در سوره

امین خولی در «دائرة المعارف الاسلامیة» تفسیر موضوعی را چنین تعریف کرده است: «تمام آیات مربوط به یک موضوع، به‌طور کامل و فراگیر جمع‌آوری می‌گردد و ترتیب زمانی، مناسبت‌ها و شرایط مخصوص هر آیه مشخص شده، آنگاه برای دستیابی به تفسیر و فهم، آیات (با هم) ملاحظه می‌شود» (خولی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۸). در تکمیل این تعریف، صاحب کتاب «محاضرات فی التفسیر الموضوعی» به نقل از محمد قاسم تأکید دارد که تا حد ممکن، جمع آیات باید بر حسب نزولشان باشد (عباس، ۱۴۲۸، ص ۱۹).

در این تعاریف، به دو نکته قابل‌توجه اشاره شده است: اول توجه به ترتیب نزول آیات، و دوم توجه به جایگاه آیات در سوره‌ای که در آن قرار گرفته است. هرگاه آیات مربوط به یک موضوع، به ترتیبی که در هنگام نزول داشته‌اند، موردبررسی و پژوهش قرار گیرند، از این رهگذر، نکات تربیتی، تاریخی و روش‌شناسانه پیرامون دیدگاه قرآن درباره یک موضوع به دست می‌آید. باید توجه داشت که قرآن کریم در طی ۲۳ سال نازل شده است و در این سال‌ها مسلمانان در مکه و مدینه در معرض ابتلائات فراوانی قرار داشتند، خداوند با ترتیب نزول خاصی به تربیت

آنان پرداخته است. اگر ترتیب نزول قرآن به دقت مشخص شود، از این رهگذر می‌توان از شیوه تربیت تدریجی قرآن کریم در حل مسائل متعدد فرهنگی و تربیتی در جامعه استفاده و الگوبرداری کرد. نمونه این موضوع را می‌توان در تحریم شراب در قرآن کریم مشاهده کرد. البته به دلیل تشستی که در روایات اسباب النزول وجود دارد، در حال حاضر امکان دستیابی به ترتیب نزول قطعی امکان‌پذیر نیست و چه‌بسا نتوان به آن استناد کرد. شاید با ورود علوم دیگری به حیطه علوم قرآنی از قبیل زبان‌شناسی، سبک‌شناسی، معناشناسی، تحلیل گفتمان، تاریخ‌نگاره و... بتوان به تکمیل اطلاعات ترتیب نزول امید داشت.

روش تفسیر موضوعی به حسب نزول دستاوردهای فراوانی دارد، اما اکتفای صرف به این روش، مانع از بهره‌مندی از محسنات سایر روش‌ها می‌شود. بدین نحو که صرف پیگیری آیات قرآن کریم بر اساس نزول می‌تواند صرفاً جنبه خاصی - هرچند مهم - از روش تربیتی قرآن کریم را نشان دهد، ولی به‌تنهایی کافی نیست، بلکه در کنار آن باید از روش‌های دیگری که مکمل آن است استفاده کرد. در واقع، می‌توان گفت: تنها با استفاده از تفسیر موضوعی جامع (شبکه معنایی قرآن) می‌توان تمام ابعاد یک موضوع قرآنی را پوشش داد (خامه‌گر، ۱۳۸۹، صص ۲۴۲-۲۴۳).

۲-۶- دسته ششم: تعریف تفسیر موضوعی به عنوان گونه‌ای از تفسیر قرآن به قرآن

برخی در تعریف تفسیر موضوعی، این شیوه را یکی از گونه‌های فرعی روش تفسیر قرآن به قرآن می‌دانند و معتقدند مفسر در تفسیر موضوعی، آیات مربوط به یک موضوع را گردآوری کرده و با استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، آن‌ها را قرینه تفسیر هم‌دیگر قرار داده و نظر نهایی قرآن را پیرامون آن موضوع روشن می‌سازد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۱).

این تعریف در حالی است که این دو روش تفسیری در هدف تفسیری متفاوت‌اند؛ یعنی در تفسیر قرآن به قرآن، مفسر با تمرکز بر یک آیه برای ارائه تفسیر آن و دستیابی به درک جامعی از همان آیه استمداد می‌جوید. خواه آیات مزبور از نظر مضمون و سیاق، به آیه مدنظر مفسر شباهت داشته باشد یا نه (غلامی و علوی مهر، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۹۷)؛ اما در تفسیر موضوعی، غرض مفسر این است که آیات مشابه و هم‌مضمون (از لحاظ لفظ و معنا) را در خصوص یک موضوع، به یکدیگر پیوند دهد و از مجموع آیات، به پرسش خود پیرامون آن موضوع پاسخ دهد و نظریه قرآن را استخراج کند. با دوگانه شدن هدف، این دو را نمی‌توان یک روش به حساب آورد. این دو شیوه، متفاوت و متمایز از یکدیگرند. در واقع، تفسیر قرآن به قرآن از نوع تفسیر ترتیبی و مقدم بر تفسیر موضوعی است (داودی، ۱۳۸۲، ص ۹۹) و می‌توان گفت تفسیر قرآن به

قرآن، پایه تفسیر موضوعی است (غلامی و علوی‌مهر، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۹۷) و این دو روش تفسیری، رابطه عموم و خصوص من وجه با یکدیگر دارند. این نکته، هم بر نقاط افتراق آن‌ها تأکید دارد و هم بر نقاط اشتراک؛ بنابراین، نه یکی هستند و نه رابطه عموم و خصوص مطلق دارند.

۲-۷- دسته هفتم: تعاریف متمرکز بر علم یا روش بودن تفسیر موضوعی

در برخی تعاریف، تفسیر موضوعی به‌عنوان یک علم معرفی شده و در برخی دیگر به‌عنوان یک روش.

در قسم اول از تعاریف، تفسیر موضوعی را در شمار علوم و به‌عنوان یک علم به‌حساب می‌آورند: «تفسیر موضوعی دانشی است که قضایای قرآنی را که هدف یکسانی دارند، به بحث می‌گیرد؛ از راه گردآوری آیات پراکنده و وابسته به آن قضایا و مطالعه آن‌ها به گونه خاص و بر اساس شرایط معین، به‌قصد فهم معانی آیات و شناخت عناصر قضایا و پیوند بین آن‌ها» (المعی، ۱۴۰۵، ص ۹). محقق دیگری، تفسیر موضوعی را دانشی می‌داند که موضوعات را بر پایه اهداف و مقاصد قرآنی، از خلال یک سوره یا بیشتر، بررسی می‌کند (سعید، ۱۴۶۰، ص ۲۰).

قسم دوم این دسته، تعاریفی است که تفسیر موضوعی را یک روش می‌دانند. به‌عنوان مثال، هاشمی رفسنجانی تفسیر موضوعی را روشی برای تبیین یک موضوع می‌داند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). علوی مهر نیز آن را روشی می‌داند که «برای کشف، شناخت و تبیین موضوع با ملاحظه آیات مشترک، هم‌موضوع و هم‌مضمون کمک می‌کند» (غلامی و علوی‌مهر، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

اختلاف در اینکه تفسیر موضوعی یک علم است یا یک روش احتمالاً، به این نکته بازمی‌گردد که برخی علما تفسیر را به‌عنوان یک علم و بعضی دیگر آن را به‌عنوان کاری از مفسر معرفی می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، در تعاریفی که برای تفسیر ارائه شده است یک دسته از تعاریف، تفسیر را به‌عنوان کاری که مفسر در مورد کشف معنا و مدلول آیات کریمه انجام می‌دهد و دسته دیگر تفسیر را به‌عنوان یک علم تعریف کرده‌اند (رجبی، ۱۳۹۱، ص ۷).

بیشتر صاحب‌نظران بنا بر روش خاصی که مفسر موضوعی در چگونگی کشف معانی و مقاصد قرآنی دارد، آن را روش تفسیر موضوعی (عمل تفسیری) می‌دانند و بعضی دیگر با توجه به اینکه خود تفسیر یک دانش است و تفسیر موضوعی هم یک نوع تفسیر با روش خاص است، تفسیر موضوعی را یک علم می‌دانند؛ در نتیجه، تفسیر موضوعی هم یک علم می‌تواند باشد و

هم یک روش. البته، باید گفت تفسیر موضوعی یک روش است تا علم؛ روش خاصی که با استفاده از آن می‌توان مقصود خداوند متعال را از قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در موضوع خاص استخراج کرد.

۳- تعریف پیشنهادی

پیش از ارائه تعریف پیشنهادی باید گفت که به این دلیل دست یافتن به تعریفی جامع، مانع، دقیق و شفاف از تفسیر موضوعی اهمیت دارد که تصور ما از یک فعالیت خاص، نقش مهمی در انتخاب ابزارها، شیوه‌ها و روش‌های انجام آن فعالیت دارد و از آنجایی که موفقیت درگرو اتخاذ شایسته‌ترین روش‌هاست و انتخاب روش‌ها و ابزارها نیز به تصور فرد از فعالیت بستگی دارد، پس دست یافتن به هدف و مقصود، منوط به داشتن تصور روشن و کاملی از فعالیت است (قراملکی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). ما نیز در این پژوهش سعی کردیم با ارائه تعاریف مختلف از تفسیر موضوعی، به نقد و ارزیابی این تعاریف از تفسیر موضوعی بپردازیم. با بررسی تعاریف ارائه‌شده از تفسیر موضوعی، دریافتیم که برخی از تعاریف ارائه‌شده از جانب محققان، بسیار اجمالی و نارسا است. در بعضی موارد، این امر به خاطر آن بوده که خودشان به‌طور عملی تفسیر موضوعی را انجام نداده‌اند.

به نظر می‌رسد تعریفی که بتواند تمامی اشکالات تعاریف فوق را به‌خوبی رفع نماید و درعین حال، محاسن همه آن‌ها را در بر داشته باشد، تعریف زیر است:

جمع‌آوری روشمند تمام آیات (هم‌لفظ، هم‌معنا و هم‌مضمون) مرتبط به موضوع هدایتی (برخاسته از متن قرآن یا متن زندگی) و تفسیر آن بر اساس سیاق (در صورتی که سیاق، تعیین‌کننده باشد) و روایات و تحلیل و جمع‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مجموع آیات، جهت دستیابی به دیدگاه جامع قرآن در موضوع مدنظر در حد درک بشری.

۳-۱- نتیجه‌گیری (مزایای تعریف پیشنهادی)

۱. «جمع‌آوری روشمند تمام آیات»: اگر تمام آیات به‌صورت روشمند جمع نشود، در این صورت پاسخ و دیدگاه به‌دست‌آمده از قرآن در مورد آن موضوع، جامع نخواهد بود. در توضیح

قید روشمند باید گفت که جهت جستجوی روشمند آیات، به یک گنج‌واژه^۱ قرآن نیاز است و تا زمانی که گنج‌واژه‌ای برای قرآن نوشته نشده است، این جمع‌آوری همچنان ناقص خواهد بود. همچنین، تفسیر یک سوره یا چند سوره را نمی‌توان تفسیر موضوعی به حساب آورد؛ زیرا تمام آیات مربوط به یک موضوع جمع نشده است.

۲. «هم‌لفظ، هم‌معنا و هم‌مضمون»: صرفاً آیات شامل لفظ موضوع نمی‌تواند کافی برای دست یافتن به دیدگاه جامع قرآن باشد. چه‌بسا، ممکن است برخی آیات مضمون، معنا و مفهوم مشترکی با موضوع مدنظر داشته باشند، ولی لفظشان با لفظ موضوع، متفاوت باشد.

۳. «موضوع هدایتی (برخاسته از متن قرآن یا متن زندگی)»: در قرآن کریم قرار نیست هر موضوعی موردبررسی قرار گیرد؛ مثلاً جغرافیا، نجوم، طب و... چراکه قرآن کتاب هدایت است و به دلیل کامل بودن این کتاب، موضوع‌های مرتبط با هدایت انسان در آن آمده است. بنابراین، موضوعاتی در تفسیر موضوعی قرار می‌گیرند که مرتبط با هدایت انسان باشند. موضوع نیز در تفسیر موضوعی می‌تواند از هر دو گونه باشد؛ در برخی مواقع، موضوع درون قرآن قرار دارد و سؤال‌برانگیز می‌شود و از درون خود قرآن جواب آن به صورت تفسیر موضوعی یافت می‌شود و گاهی نیز موضوع از خارج به قرآن ارائه می‌شود و بازهم با روش تفسیر موضوعی، پاسخ مدنظر قرآن استخراج می‌شود.

۴. «سیاق»: نمی‌توان آیات را بدون توجه به سیاق و سوره‌ای که در آن قرار دارد، بررسی کرد، زیرا یکی از قرائن خیلی باارزش و معتبر در تفسیر آیات، سیاق سوره‌ای است که آیات در درون آن قرار گرفته است؛ یعنی هر آیه‌ای در مکانی که واقع گردیده، با آیات قبل و بعد خویش ارتباط خاصی دارد و در فضای خاص خود، مفاهیم بسیاری ارائه می‌کند. ممکن است که گاهی در آیه قبل و بعد، قرینه‌ای یافت شود و بدون توجه به این قرائن، مفاد واقعی آیات به دست نیاید. در این مرحله، مفسر باید مفاهیم به دست آمده از هر یک از آیات را جمع‌آوری نماید، نه خود آیه را جدای از سیاق و سوره‌اش.

۱. گنج‌واژه کتابی است حاوی لغات و تعبيرات مترادف و متقارب المعنى که به صورت منطقی و معقولى طبقه‌بندی و تنظیم شده باشد تا مراجعه‌کننده بتواند به کمک آن لغت یا لغات مناسب برای بیان مفاهیم مورد نظر خود را بیابد (ر.ک. ذاکری، ۱۳۷۴، صص ۵۶-۶۶).

۵. «روایات»: همان‌گونه که در صفحات قبل بیان شد، تفسیر قرآن بدون تبیین و شرحشان توسط روایات پیامبر (ص) و اهل بیت (علیهم السلام) ممکن است موجب گمراهی مفسر و افتادن وی در دام تفسیر به رأی شود.

۶. «تحلیل و جمع‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مجموع آیات»: در این بخش از تعریف، تأکید بر این نکته است که باید مفاهیم استخراج‌شده از مجموع آیات مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند و صرفاً، نمی‌توان با نگاه به برخی از آیات منتخب در موضع خاصی ادعای ارائه نظر قرآن را داشت.

۷. «جهت دستیابی به دیدگاه جامع قرآن در موضوع مدنظر»: این بخش از تعریف، بازگوکننده هدف تفسیر موضوعی است و همچنین، بیان‌کننده این نکته که هر فرآیند گردآوری یا جداسازی، تفسیر موضوعی نیست و مجموعه مباحث همچون اشباه و نظائر، اعلام القرآن، اقسام القرآن، امثال القرآن و ... همگی از محدوده تفسیر موضوعی خارج‌اند.

۸. «در حد درک بشر»: هر مفسری که معصوم نباشد توانایی درک باطن و ظاهر قرآن را به‌طور کامل ندارد، در نتیجه نمی‌تواند تمامی دیدگاه‌های جامع قرآن را دریابد. پس باید در تعریف تفسیر موضوعی تذکر داد که هر آنچه مفسر ارائه می‌دهد، همه سخن قرآن نیست، بلکه تنها برداشت‌های مفسر در حد درکش از قرآن است.

نکته‌ای که در انتهای این بحث شایسته توجه است، این است که به نظر می‌رسد با توجه به ابعاد مختلفی که برای تفسیر موضوعی بیان شد، چه‌بسا این کار شایسته و در حد کسی است که به قرآن، احاطه کامل داشته باشد و این مقام جز در معصوم جمع نشده است و به‌غیراز معصوم کسی را نباید که وارد حوزه تفسیر موضوعی شود. ولی با توجه به اینکه سؤالات فراوانی مرتبط با هدایت انسان در عصر حاضر برای مسلمانان مطرح می‌شود و یا از سوی غیرمسلمانان از آنان سؤال می‌شود، ظاهراً چاره‌ای جز انجام تفسیر موضوعی نیست؛ چون نمی‌توان با داشتن قرآن و سنت این سؤالات را بدون پاسخ گذاشت؛ بنابراین، باید به فکر چاره‌ای بود. با توجه به نکته فوق و همچنین توجه به اینکه مفسر تفسیر موضوعی ادعای بیان نظر قرآن را دارد، باید نظری را ارائه کند که تا حد ممکن با واقعیت قرآن سازگار باشد، هرچند بر اساس تعریفی که ارائه شد، این کار بسیار مشکل به نظر می‌رسد. چاره‌ای که برای حل این مشکل به نظر می‌رسد این است که تفسیر موضوعی باید توسط گروهی از متخصصان صورت گیرد و این متخصصان باید ابزارهای لازم برای تفسیر را در دست داشته باشند. همان‌طور که گفته شد، از ضروری‌ترین

ابزارهای مفسر تفسیر موضوعی، داشتن گنج‌واژه است که امید می‌رود این نیاز تفسیر موضوعی، هرچه زودتر از طرف جامعه علمی کشور، خصوصاً متخصصان علوم قرآن و حدیث ارائه شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۲. بنت الشاطی، عائشة؛ *التفسیر البیانی للقرآن الکریم*؛ ترجمه: سید محمود طیب حسینی؛ قم: دانشکده اصول دین، ۱۳۹۰ ش.
۳. ترمذی، محمد بن عیسی؛ *الجامع الصحیح*؛ تحقیق: ابراهیم عطوة عوض، محمد فؤاد عبد الباقي، احمد محمد شاکر؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۴. جلیلی، سید هدایت؛ *تفسیر موضوعی، چيستی، بنیانها و پیش فرضها*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله؛ *زن در آئینه جلال و جمال*؛ تهران: رجا، ۱۳۷۱ ش.
۶. حیدری فر، مجید؛ *روشی نو در روش شناسی تفسیر ترتیبی و موضوعی قرآن کریم*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
۷. خالدی، صلاح عبدالفتاح؛ *التفسیر الموضوعی بین النظرية و التطبيق*؛ اردن: دار النفائس، ۱۴۱۸ ق.
۸. خامه گر، محمد؛ «شبكة معنایی موضوعات قرآن: معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم»؛ پژوهش های قرآنی، سال شانزدهم، ش ۶۳-۶۲، ۱۳۸۹ ش.
۹. خولی، امین؛ «تفسیر»؛ *دائرة المعارف الاسلامیة*، تعریب: احمد الشنتناوی، ابراهیم زکی خورشید، عبدالحمید یونس، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۰. داودی، محمدرضا؛ «اهل بیت علیهم السلام و تفسیر موضوعی قرآن»؛ ماهنامه معرفت، ش ۷۱، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. ذاکری، مصطفی؛ «گنج واژه»؛ نامه فرهنگستان، ش ۴، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. رجبی، محمود؛ *روش تفسیر قرآن*؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ *منطق تفسیر قرآن (۲)*؛ قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. سبحانی، جعفر؛ *منشور جاوید*؛ قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. سعید، عبدالستار فتح الله؛ *المدخل الی تفسیر الموضوعی*؛ قاهره: مکتبه اصول الدین، ۱۴۶۰ ق.
۱۶. صدر، سید محمدباقر؛ *المدرسة القرآنیة*؛ قم: مرکز بررسی آثار شهید صدر، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. —؛ *مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن*؛ بیروت: دار التوجیه اسلامی، ۱۴۰۰ ق.
۱۸. طباطبائی، سید محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*؛ به کوشش: سید احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. عباس، عباس عوض الله؛ *محاضرات فی التفسیر الموضوعی*؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۸ ق.
۲۱. عمری، احمد جمال؛ *دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآن*؛ قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. غزالی، محمد؛ *نحو تفسیر موضوعی سور القرآن الکریم*؛ قاهره: دار الشروق، ۲۰۰۰ م.
۲۳. غلامی، لیلا و علوی مهر، حسین؛ «چيستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن»؛ مطالعات تفسیری، سال دوم، ش ۸، ۱۳۹۰ ش.

۲۴. فتحی، علی؛ «تفسیر موضوعی و مراحل آن»؛ مجله معرفت، ش ۱۰۷، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ *العين*؛ قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. قراملکی، احد فرامرز؛ *روش‌شناسی مطالعات دینی*؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۲۸. کریمی، مصطفی؛ «ماهیت تفسیر موضوعی»؛ *قرآن‌شناخت*، سال سوم، ش ۲، پیاپی ۶، ۱۳۸۹ ش.
۲۹. مسلم، مصطفی؛ *مباحث فی التفسیر الموضوعی*؛ دمشق: دار القلم، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۳۱. معرفت، محمدهادی؛ *تفسیر و مفسران*؛ ترجمه: علی خیاط؛ قم: مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. المعی، زاهر بن عواض؛ *دراسات فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*؛ ریاض: مطابع الفرزدق، ۱۴۰۵ ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام قرآن*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۸۶ ش.
۳۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ *تفسیر راهنما*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۳۵. یدالله پور، بهروز؛ *مبانی و سیر تاریخی تفسیر موضوعی قرآن*؛ قم: دار العلم، ۱۳۸۳ ش.